

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۳

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۰

سال هفدهم، شماره ۶۷، بهار ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی

[DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۰۰۸۰۵۱۴.۱۴۰۰.۱۷.۶۷.۱۸.۶](#)

## تحلیلی بر شاخصه‌های عرفانی تئوری مهدویت

سید عبدالله دانشی<sup>۱</sup>

سیده فاطمه حسینی میرصفی<sup>۲</sup>

### چکیده

تئوری مهدویت نظر به گستردگی و جهان شمول بودن آن دارای ابعاد بسیار گسترده و ناشناخته‌ای است؛ یکی از مهم‌ترین مصادیق در عرفان اسلامی، مسأله ختم و مهدویت است که با عناوینی همچون انسان کامل، صاحب ولایت باطنی و ... عنوان شده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای درصدد بیان تفسیری عرفانی از مسئله مهدویت است. ذکر این نکته ضروری است که علی‌رغم برداشت‌های متفاوت از مفاهیم عرفانی و تأویل‌های گوناگون بسیاری از مبانی نظری و عملی عرفان در پیوند ناگسستنی با جامعه آرمانی مهدوی است. جایگاه کمتر شناخته شده تئوری مهدویت در مباحث عرفانی و تحقیقات فارسی و تطبیق آرای این نظریه و ایده با اصطلاحات اصیل عرفانی که به طور کلی بعد از ابن عربی رشد قابل توجهی داشته، نگارنده را بر آن داشته تا دست به این پژوهش بزند.

### کلید واژه‌ها:

عرفان، مهدویت، انسان کامل، دولت کریمه.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری علوم و قرآن حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱-۱- پیشگفتار

عرفان اسلامی و مفاهیم دینی پیوند و ریشه اصلی شان قرآن و حدیث است و این محورها تالی و پیوسته هم هستند؛ در اندیشه و تفکر اسلامی و به خصوص تفکر شیعی مفهوم انتظار، موعود و مهدویت دارای بن مایه‌های بسیاری از اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه است و این مسئله به قدری در متون عرفانی مشهود است که می‌توان مدعی شد این مسئله هم در مبانی **نظری** و پایه و هم مبانی عملی اهل عرفان دیده می‌شود. نگارنده در این تحقیق بر آن است که به تحلیل و واکاوی شاخصه‌های عرفانی مهدویت در متون معتبر و عرفانی پردازد و در عین حال نگاه قرآن و حدیث به آن را نیز تبیین شود. «از جمله عرفایی که ظهور مهدی را مورد اشاره قرار داده و آن را واقعه‌ای لاینفک و حقیقتی مسلم دانسته‌اند؛ محی الدین عربی، شیخ صدرالدین قونوی، جلال الدین رومی، شاه نعمت اله ولی، شیخ حسن عراقی، شیخ عبدالوهاب شعرانی، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، حافظ رجب بُرسی، شیخ محمود شبستری، شیخ احمد جامی نامقی، شیخ ابو یعقوب، خواجه محمد پارسا و... را می‌توان نام برد» (حکیمی ۱۳۶۰: ۸-۱۹۷). هر کدام از این عرفا به نوعی براساس مشی و مشرب عرفانی خود به تبیین مسئله مهدویت پرداخته‌اند. در این میان مکتب ابن عربی دارای جایگاه والا و ویژه‌ای است. «مکتب ابن عربی و تعلیم او در مسائل مربوط به وحدت وجود، فیض اقدس، مسأله ولایت، مسأله انسان کامل، مسأله وحدت جوهری ادیان و نظایر آنها مخصوصاً به وسیله شاگرد دست پرورده اش صدرالدین قونوی در بین صوفیه انتشار قابل ملاحظه‌ای یافت (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۰).

آنچه بدیهی است غالب عارفان مسلمان و به طور کلی علم عرفان بعد از ابن عربی و طرح تئوری انسان کامل او به وضوح پیوند انسان کامل و اشاره آن به مسئله مهدی موعود را مدنظر قرار داده‌اند.

## ۱-۲- پیشینه تحقیق:

مبحث مهدویت و اشارات مربوط به آن غالباً تحت نام و ذیل مجموعه انسان کامل مورد اشاره قرار گرفته است. از منابع معتبر و برجسته‌ای که این مهم را مورد واکاوی قرار دادند؛ انسان کامل در متون عرفان اسلامی دکتر سیدابوالحسن مخزن موسوی (۱۳۹۳)، سیمای امام مهدی در عرفان اسلامی تألیف محمدامین صادقی ارزگانی (۱۳۸۹) امام مهدی موعود موجود اثر آیت اله جوادی آملی (۱۳۹۷) و همین طور مقالاتی از جمله انسان آرمانی یا کامل در ادبیات عرفانی از دکتر حسین

رزمجو(۱۳۶۵)، محمد فنائی اشکوری در مقاله‌ای با عنوان نظریه انسان کامل در عرفان اسلامی (۱۳۹۲) و محمدکاظم شاکر و فاطمه سادات موسوی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان قرآنی بی ادبانی از انسان کامل با رویکرد عرفانی(۱۳۸۹) و ... به تحلیل و تبیین موضوع پرداخته اند؛ اما نگارنده به موضوعی که با عنوان تحلیل شاخصه‌های عرفانی تئوری مهدویت در عرفان باشد، برنخورده و معتقد است جنبه نوآوری تحقیق بر همین اساس است.

## ۲-۱- بینش عارفانه و مهدویت(معرفت و مکاشفه در اثبات مهدویت)

در شناخت عرفانی و رسیدن به شهود موانع بین انسان و مطلوب او باید برداشته شود، این رسیدن به شهود را در اصطلاح، عرفا کشف می گویند. کشف از مراتب عالی ایمان و حاصل رسیدن به حقیقت است. لازمه رسیدن به این درجه حرکت به سوی مطلوب است که گاهی با تعبیر فنا فی اله و بقاء به اله از آن یاد می شود «فنا عبارت است از نهایت سیر الی اله و بقاء عبارت است از بدایت سیر الی اله، چه سیر الی اله وقتی منتهی می شود که بادیه وجود را به قدم صدق به یکبارگی قطع کند و سیر الی الله آنگاه محقق شود که بنده را بعد از فناى مطلق وجود و ذاتی مطهر از لوث و حدثان ارزانی دارد تا بدان در عالم اتصاف به اوصاف الهی و تخلق به اخلاق ربانی ترقی می کند». (کاشانی ۱۳۸۵: ۲۹۶). آنچه مقصود در این بحث است اینکه برای شناخت موعود چیزی شبیه سلوک معرفت باید بر عارف راه شناخت مهدی مستولی شود.

بنابراین، اثبات مهدویت شخصی با عقل صرف میسر نیست، زیرا حکمت و کلام، خطوط کلی رهبری، اوصاف، شرایط و برنامه‌های آن را تبیین می‌نماید و عهده‌دار اثبات سمت خاص برای شخص مخصوص نیست و با طی مراتب سلوک امکان پذیر خواهد بود.

## ۳-۱- متون عرفانی و اشارات مهدوی:

به طور کلی مسئله مهدویت در عرفان و متون مربوط به آن با شیخ اکبر محی الدین ابن عربی نمود پیدا کرد و همانطور که اشاره شد در مسیر تکامل انسان کامل که با حقیقت محمدی نام گذاری رشد پیدا می کند. او در فصل نخست از کتاب فصوص الحکم با تعبیری انسان کامل را دارای جمیع حقایق کلی و جزئی عالم می داند که خلافت خداوند بر زمین را شایستگی دارد «فهو الانسان الحادث الازلی و النشو الدائم الابری، و الکلمه الفاصله الجامعه، قیام العالم بوجوده، فهو من العالم کفص من الخاتم، و العلامه الی بها یختم بها الملک علی خزائنه و سماه خلیفه من اجل هذا» (ابن عربی ۱۹۴۶ ج ۵۰/۱) ابن عربی خود از حکیم ترمذی که از اسلاف او بود تأثیر پذیرفته و تصریح می کند که امام مهدی علیه السلام وارث همین حقیقت محمدی است «ما نقص الرسول الله صلی الله

علیه و سلم علی امام من ائمه اللدین یكون بعد، یرثه و یقفو اثره ولا یعطی، الا المهدی علیه السلام»  
(مخزن موسوی ۱۳۹۳، ۳۴۳)

سید حیدر آملی معتقد است آیه قرآنی «نرید ان نمَنَّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». اختصاصاً در مورد حضرت مهدی امکانپذیر است. او انسان کامل را با توصیفات همچون ذوالعقل و العین توصیف می کند. او معتقد خاتم ولایت کسی غیر از مهدی موعود موجود نمی باشد. «خاتم ولایت محمدیه فقط می تواند کسی باشد که شیعه دوازده امامی او را امام دوازدهم مهدی موعود و امام غایب فرزند امام حسن عسکری می داند» (آملی ۱۳۸۴، ۶۵) آملی با بسط نظریه ولایت به تبیین مسئله مهدویت می پردازد. هجویری معتقد است: «بدان که قاعده و اساس طریقت تصوف و معرفت جمله بر ولایت و اثبات آن است که جمله مشایخ اندر حکم اثبات آن موافق اند اما هر کسی به عبارتی دگرگون بیان این ظاهر کرده است» (هجویری ۱۳۸۵؛ ۱۴۳) بدین طریق اشاره سیدحیدر آملی به پایان حکومت محمد و مبنی بر ولایت حضرت مهدی است «و استحق ان یكون لولایته صلی الله علیه و آله الخاصه ختم، یواصلی اسمہ صلی الله علیه و ما هو بالمهدی المسمی و المعروف بالمنتظر» (آملی ۱۳۸۴، ۴۴۲) عزیزالدین نسفی از انسان کامل با نام هایی همچون شیخ، پیشوا، هادی و مهدی و جام جهان و اکسیر اعظم یاد می کند و تلویحاً بازگشت موعود را این چنین بیان می کند «او همان است که در حیات دنیوی با بازگشت به مبدأ خویش، عقل او همانند آن بر عرض مستولی می گردد» (نسفی ۱۳۷۷، ۱۹۰) و به همین علت مهدی را مظهر ذات و صفات می داند. به طور کلی در عرفان اسلامی و متون مرتبط با آن بعد از ابن عربی کسانی همچون سید حیدر آملی در تبیین مسئله ظهور و مهدویت و ابعاد مرتبط با آن سرآمد هستند، که گرچه مقدم تر از آنها اندیشمندان بزرگی همچون شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه و شیخ طوسی در کتاب الغیبه مبسوط به تحلیل موضوع پرداختند.

### ۳-۱-۱- مهدی موعود جلوه‌ای از حقیقت محمدیه:

پس از ابن عربی عارفانی همچون صدرالدین قونوی در آثاری همچون مراتب الوجود و مفتاح الغیب و محمدبن حمزه فناری در مصباح الانس به بسط و تبیین حقیقت محمدیه پرداختند. عرفایی دیگر همچون شیخ محمود شبستری در گلشن راز و شرحی که توسط محمدبن عیسی لاهیجی با عنوان مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز نوشته، مهدی موعود را جلوه‌ای از حقیقت محمدیه می داند. «ظهور تمامی کمالش به ولایت خاتم خواهد بود، چه کمال حقیقت دایره در نقطه اخیر به کمال می رسد و خاتم اولیاء عبارت است از محمد مهدی است که موعود حضرت رسالت است» (لاهیجی ۲۶۶، ۱۳۸۳) از دیگر متونی که اشارات مهدوی در آن مشاهده می شود رسالات

عرفانی سیدمحمد نوربخش است که باز متأثر از ابن عربی است در رساله الهدی می گوید: «سخن را با کلام جدم سیدالمرسلین آغاز می کنم که فرمود: اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند چندان آن را طولانی خواهد کرد تا مردی از فرزندان من خروج کند که نام او من و کنیه او کنیه من خواهد بود و جهان را از قسط و عدل پر خواهد کرد، چندان که پر از ظلم و جور شده است.» (نوربخش ۱۳۹۱، ۵۵) صدرالدین قونوی در این زمینه معتقد است «پیش از انقطاع و ختم نبوت، قائم به مرتبه قطیبت گاهی در مقام نبی ظاهر می شد مانند حضرت ابراهیم، گاهی نبی پنهان بود مانند خضر در زمان موسی به مقام قطیبت و در وقت انقطاع نبوت تشریعی به واسطه اتمام دایره آن در وقت ظهور ولایت از باطن قطیبت به اولیاء انتقال یافت. لذا در این مرتبه هر زمانی باید یک نفر قائم مقام قطیبت باشد تا حفظ نظام و تربیت عالم کند (قونوی ۱۳۷۱، ۶۵). بنابراین از دیدگاه عرفا مهدی موعود برترین مظهر الهی است، شناخت او مفتاح معرفه اله است و لذا آنچه از ویژگی‌های او در مبانی عرفانی مشاهده می کنیم «علت غایی خلقت است، سبب ایجاد و بقای عالم است، متخلق به اخلاق الهی است و واسطه‌ای میان حق و خلق است، اما نظر به آنکه واجد صفات و اخلاق الهی است دوگانگی از او برخاسته است و با هویت متعالی الهی وحدت ذاتی پیدا کرده است» (دشتی ۱۳۸۴، ۶۱)

از منابع مهم عرفانی اسلامی و از دیگر عارفان شاخصی که مسئله مهدویت را به تبع ابن عربی دنبال نمودند کتاب مصباح الانس ابن فناری است. او حضرت مهدی را عنوان جلوه‌ای از حقیقت محمدیه معرفی می کند و راجع به غیبت معتقد است «اسباب رد بر او به واسطه دو امر است؛ یکی سر اقتدای به پروردگارش است از حیث اینکه به تمام وجه در هیچ محلی ظاهر نشود. همچنانکه به هیچ وجهی جز در محل قابل خود ظاهر نمی شود و آن سر جمع حقیقت است که جامع قبول و منع به حساب مظاهر می باشد. (فناری، ۱۳۷۴: ۶۲۵)

و با تأکید بر اشاره ابن عربی در مسئله کون معتقد است که «منظور ابن عربی از اصطلاح کون جامع آن است که انسان کامل جامع آثار تمام اسماء است.» (همان ۷۱۱) و لذا مهدی موعود همان کون جامع است.

### ۳-۱-۲- اشارات مهدوی، مولانا و سنایی

عرفا با توجه به جایگاه والای مسئله مهدویت و مهدی موعود در مبانی اعتقادی اسلامی اشارات متفاوت و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ظهور دارند «صاحبان کمال در کمالات خود متفاوتند؛ گروهی کامل و کسانی اکمل اند؛ اما درجه کمال که به طور انحصاری برای حضرت محمد تعیین پیدا کرده برای هیچ یک از افراد انسانی دیگر تحقق نیافته است؛ چنانچه اخلاق، احوال و گفتارش به آن

گواهی می دهد. پس او انسان کامل است و انبیاء و اولیاء و افراد کامل دیگر از باب الحاق کامل به کامل به او ملحق و از باب انتساب فاضل به افضل به حضرت وی منسوب می شوند» (جیلی ۱۳۹۰ ق-۷) در مبانی اعتقادی و عرفانی مهدی موعود هم که جلوه‌ای از حقیقت محمدیه است هم از باب کاملی به کامل به درجه انسان کاملی و خلیفه الهی می رسد. و ولایت انسانی دایر می شود:

مولانا در دفتر دوم مثنوی ولایت مهدی را اینطور تبیین می کند:

پس به هر دوری ولی قائم است      تا قیامت آزمایش دائم است  
هر کسی را خوی نیکو باشد برست      هر کسی کو شیشه دل باشد شکست  
پس امام حی قائم آن ولی است      خواه از نسل عمر خواه از علی است  
(مولانا ۱۳۸۳؛ ۲؛ ۸۳)

و همین طور در غزلیات شمس در غزلی ارادت خود را در این مورد به صاحب الزمان بیان می کند:

سوی تقی‌ای و نقی در مهر او عهدی      با عسکری رازی بگو الله مولانا علی  
مهدی سوار آخرین بر خصم بگشاید کمین      خارج رود زیر در زیرزمین اله مولانا علی  
تخم خوارج در جهان ناچیز و ناپیدا شود      آن شاه چون پیدا نشود اله مولانا علی  
(مولانا ۱۳۸۴؛ ۱۱۹۰)

سنایی بیشتر عدالت مهدوی را مورد اشاره قرار می دهد و می فرماید:

ملک و دین چون پود و چون تار است      آن بدین، این بدان سزاوار است  
دین و دولت به شرع و شه زنده است      زین دو شین آن دو دوال پاینده است  
(سنایی ۱۳۷۴؛ ۳۹۹)

اندردین روزگار بد عهدی      چیست جز عدل هدیه مهدی  
خلق او آمد از نکو عهدی      روح عیسی و قالب مهدی  
(همان)

علاوه بر شاعر نامدار شعر فارسی، عارفانی همچون عطار نیشابوری نیز اشارات مهدوی در آثار خود را بازتاب داده که نظر به گستردگی موضوع و بحث صرفاً" به اشارات مولانا و سنایی بسنده شده است.

#### ۴-۲- تجلی عرفانی به مثابه ظهور مهدوی

«حق سبحانه تعالی در آینه دل انسان کامل متجلی می شود و عکس انوار تجلیات از آینه دل او بر عالم می تابد و همگان با دریافت آن فیض پدیده آمده و حفظ می گردند. تا انسان کامل در عالم وجود دارد از تجلیات ذاتی و رحمت رحمانی و رحیمی حق تعالی برای عالم و پدیده‌های هستی استمداد می کند و آن‌ها به واسطه این استمداد و فیضان تجلیات حق تعالی حفظ می شوند» (جامی؛ ۸۹: ۱۳۷۰).

خواجه عبدالله انصاری در اثر گرانسنگ عرفانی خود چنین می گوید: «تجلی برقی است که چون تابان گردد، عاشق از تابش آن ناتوان گردد. خواهد که همگی جان گردد و مرد در آن میان نماند. تجلی ناگاه آید» (انصاری؛ ۱۳۷۲: ۳۶۴) و بدین شکل عارف کامل با قدرت و تدبیر توحیدی خود به ارشاد جامعه خواهد پرداخت.

با ظهور خورشید حاکمیت مهدوی (ع) عقل اسیر هواپرستی، آزادی خویش را بازیافته و به برکت وجود آن حضرت چون گنجی نهفته آشکار می شود. رذیله سفلگی و بی چیزی در پرتو هدایت آن حضرت به ملکه برتری و استغنا بدل می گردد. آن گاه قلبی که به دست حضرتش متحول گردیده و از امید، نشاط و ایمان لبریز گشته‌اند و پذیرای اندیشه‌های ناب و انگیزه‌های حیات بخش نبوی و علوی می شوند خویش را در پرتو تأدیب الهی و آموزه‌های وحیانی آن حضرت می نهند و بدین سان، مدینه آرمانی انسان را سامان می بخشد.

«امتی که در پرتو دین واحد و تحت امامت و ولایت واحد آخرین حجت الهی آرمانشهر بشری را تشکیل می دهند، به گونه‌ای رشد می کنند و قله‌های بلند فرهنگ و دانش را تسخیر می کنند که به تمام بیست و هفت بخش علوم دست می یابند، در حالی که قبل از ظهور حضرتش با تمام پیشرفت علمی اش، خواه با چراغ وحی یا ابزار تجربه، به بیش از دو بخش آن دست نیازیده بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۲۶۳۰).

#### ۴-۱-۱- قطب عرفانی

انسان کامل (قطب) آن است که در شریعت، طریقت و حقیقت کامل باشد (نسفی ۱۳۶۲: ۹۷) با توجه به مسئله ولایت و رابطه آن با انسان کامل موضوع نیاز و احتیاج انسان به رهبر آید بنا بر این باید یک محوریت مرکزی در دایره عام امکان وجود داشته باشد که حرکت بر مدار آن صورت پذیرد در اصطلاح عرفان به این مسئله قطب میگویند (القطب مرکز الدائر و محیطها و مراه الحق، علیه مدارالعالم له رقادق ممتده الی جمیع قلوب الخلائق) (ابن عربی ۱۳۶۱، ج ۱: ۶۵). قطب در واقع خلیفه اله و نایب حق است ((قطب از نظر صدرالدین قونوی قلب عالم وجود و

آینه ذات کمال احدی است (مخزن موسوی ۱۳۹۳: ۱۹۴)

ابن عربی در تبیین اصطلاح قطب می گوید (زمین از وجود رسولی زنده خالص نخواهد بود که او قطب عالم انسانی است اگر هزار رسول وجود داشته باشد یکی از آنها همان امام مورد نظر است)) (همان: ۱۹۷) در تصوف هم وضع به همین سنووال است: مقام قطب در تصوف به حدی است که اعمال عبادت شرعی مرید تنها در صورتی مقبول است که به فرمان قطب و پیر انجام شود. آنچه از مفهوم عرفانی قطب اسنباط می شود: اینکه وجود قطب عالم امکان در متون عرفانی و کلامی از جمله آراء ابن عربی، صدرالدین قونوی، فارض مصری، سعدالدین حمویه، عزالدین نسفی مورد اشاره قرار گرفته؛ بنابر این (وصول به مقام توحید و سیر صحیح الی الله و عرفان ذات احدیت بدون ولایت مهدی موعود محال است (مخزن موسوی ۱۳۹۳: ۳۶۳)

قطب به طور کلی از ویژگیهای مختص و منحصر انسان کامل است که مصداقی از حضرت مهدی در متون عرفانی است.

#### ۴-۱-۲- ولایت عرفانی واسطه رسیدن فیض به جامعه

«ولایت در عرفان عبارت است از قیام عبد به حق هنگام فنا از نفس خویش» (جرجانی، ۱۳۰۶: ۱۱۰) پیروی و متابعت جامعه مهدوی از وجود مطلق او بساط رسیدن فیض به جامعه را مهیا می کند. امام خمینی در تبیین مسئله ولایت و انسان کامل، انسان کامل را مظهر ذات و صفات خداوند می داند. «بالضروره باید برای حقیقت عین ثابت انسانی یعنی عین ثابت محمدی و حضرت اسم اعظم نیز مظهري در عالم عین وجود داشته باشد تا احکام ربوبیت را ظاهر سازد و بر اعیان خارجی حکومت کند همان حکومتی که اسم اعظم بر سایر اسماء و عین ثابت انسان کامل یر سایر اعیان دارد(خمینی ۱۳۷۳: ۸۲) در واقع با ظهور این عین است که ولایت بر مردم آشکار می شود و به مشیت الهی و بیداری مردم پس از کنار رفتن ابرهای تیره و تار، خورشید جهان افروز رخ می نماید و چشمان منتظر دشت و دمن را روشنی می بخشد و آرزوی آرزومندان عدالت و آزادگی بر آورده می شود. بدیهی است که پس از مبارزه ای فراگیر و سرسخت با فساد، نوبت به استقرار حاکمیت دادگری می رسد و عدالت بر کرسی حکمرانی تکیه می زند تا هر کس و هر چیز را در جای خود قرار دهد و سهم هر پدیده ای را به مقتضای حق و داد بپردازد. و بالاخره جهان و جهانیان شاهد حکومتی خواهند بود که سراسر حق و عدل است و کمترین ستم و ستمگری در گستره آن بر کسی نمی رود. حکومتی که مظهر صفات جمال و زیبایی پروردگار عالم است و در ساحت آن، بشر به تمامی آرمان های فراموش شده خود دست می یابد و نور الهی تجلی تاریکی و ظلمت و جهل نابود می گردد. با استقرار ولایت عرفانی جامعه با فنای کامل در نور آماده پذیرش و رسیدن به بقاء به الله



خواهد شد.

#### ۴-۲- عارف کامل و قدرت تدبیر توحیدی

کمال سعادت بشر در پرتو هدایت عقل نظری و راهبردهای عقل عملی تأمین می‌شود و تا این دو عامل مهم سعادت به کمال لایق خویش نرسند، درخت مبارک انسانی به ثمر نخواهد نشست. ثمره درخت طوبای انسانی در بُعد عقل نظری و عملی جز علم و عدالت نیست. از سویی، هدف نهایی از انزال کتب و ارسال رسولان تأمین سعادت بشر در مراتب مختلف زندگی اوست. با این بیان روشن می‌شود که هدف نهایی تشریح ادیان الهی، انزال وحی و اتمام حجت بر بندگان و سپس رهاسازی آنان در این انتخاب دشوار نیست بلکه «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنِهِ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْنِهِ» (انفال: ۴۲) از اهداف ابتدایی آن است.

هدف میانی جامعه عرفانی، ایجاد جامعه تمدنی است که در پرتو آن درخت انسانی به بار نشیند و میوه آن یعنی دانش و خرد و نیز عدالت گسترده در تمام شئون زندگی، بشر را به سعادت نهایی خویش رهنمون گردد:

مطلب گفتنی، مقاومت طاغیان جهل پروری است که ثمر دادن شجره طیب حیات بشر، آنان و منافعشان را که بر پایه جور و جهل استوار است تهدید می‌کند؛ همانانی که مصداق «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ» هستند. (الصف: ۸)

#### ۴-۲-۱- مهدی موعود به مثابه انسان کامل و مقام خلیفه الهی

وقتی انسان از نقایص امکانی به سوی صفات خدا حرکت کرده و کمال نهایی انسانی خود باز یافت؛ انسان کامل محقق می‌شود که هدف آفرینش تحقق انسان کامل است.

خاتمیت صاحب الزمان بیانگر ولایت مذهبی و مرتبه انسان کامل است. «ظهور تمامی ولایت و کمالش به ولایت خاتم خواهد بود، چه کمال حقیقت دایره، در نقطه اخیر به کمال می‌رسد و خاتم اولیاء عبارت است از محمد مهدی که موعود حضرت رسالت است» (لاهیجی ۱۳۸۳؛ ۲۶۶).

«ارواح همه مؤمنان از اشعه آن روح مقدس علوی است که تجلی نموده است. از روح اعظم الهی به وساطت ولایت کلیه الهی، پس حقیقت روح امری است وحدانی و نوری است منبسط، در هیاکل مقدسه حضرات معصومین تجلی کرده، و به توسط شخص مقدس امام پرتوافکن همه هیاکل بشریه از مؤمنین و صالحین گردیده و تمامی ارواح مؤمنین از تجلیات اشعه آن روح اعظم حاصل آمده است» (امین الشریعه خوئی ۱۳۸۳: ۷۷۰: ۲).

بنابراین انسان در این همراهی با امام می‌تواند به یک مقامی برسد که نه تنها خود انسان با امام

سیر بکند بلکه دیگران از فیض نور انسان کامل بهره مند شوند.

اگر آن طایر قدسی ز دم باز آید      عمر بگذشته پیرانه سرم باز آید  
دارم امید بر این اشک چو باران که دگر      برق دولت که برفت از نظرم باز آید  
آنکه تاج سرمن خاک کف پایش بود      از خدا می‌طلبم تا به سرم باز آید  
(حافظ، ۱۳۹۶: ۲۳۱)

#### ۴-۳- پیوند حجاب و غیبت با مسئله ظهور

«غربت عارف عبارت است از سیر اوست در صفات تا از حضرت ذات اقتباس انوار کند و در هر انتقال از صفتی به صفت دیگر برای او غربتی است.» (روزبهان بقلی ۱۹۷۳: ۱۴۴).  
«شاه نعمت اله ولی، غربت را در بدایات، عبارت در مألوفات و اغتراب از عادات دانسته است و در نهایت، آن را در معنی اغتراب از خلیات به فنای رسم در حقیقت می خواند» (نعمت اله ولی ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۸۴).

در باور عارفان حجاب به دسته‌های متفاوتی تقسیم می‌شود که نظر به گستردگی این مبحث و تحلیل‌ها و تحقیق‌های متفاوت مجال آن در این مبحث نیست. آنچه مدنظر نگارنده تحقیق است که آماده نبودن جامعه در غیبت موعود خود نشان از وجود حجاب‌های مختلف و عدم آمادگی جامعه است. «در عرفان اسلامی منظور از حجاب هر چیزی است که مطلوب را از چشم پنهان کند و یا حجاب آن چیزی است که از نقش‌پذیری صورت وجودی در قلب که مانع قبول تجلی حق است» (جرجانی، ۱۳۰۶: ۳۷).

از پس حجاب ظهور ندائی است آسمانی خطاب به مردم جهان که همه مردم عالم آنرا می‌شنوند. صدائی قوی و نافذ که از آسمان و از هر سمت به گوش می‌رسد و هر کس به زبان خود آنرا می‌شنود. مردم از این صیحه آسمانی هراسان گشته و از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند تا ببینند چه خبر است! آن ندای آسمانی مردم را به خود داری از ظلم، کفر، جنگ و خونریزی دعوت و به پیروی از امام زمان (علیه السلام) فرا می‌خواند، حضرت را با نام خود و نام پدرش معرفی می‌کند!

پس از این حادثه آسمانی، مردم عالم مصرانه و در همه گوشه و کنار جهان در پی پاسخ به یک سؤال بر می‌آیند: مهدی کیست؟ و کجاست؟

اما پس از آنکه متوجه می‌شوند او پیشوای مسلمانان و از خاندان پاک پیامبر خاتم (ص) است و بزودی از سرزمین حجاز ظهور خواهد کرد، به ایجاد شک و تردید، پیرامون ندای معجزه آسای آسمانی می‌پردازند و توطئه‌های خود را جهت ضربه زدن به موج جدید اسلامی برنامهریزی می‌کنند

و در پی قتل آن پیشوای بزرگ الهی بر می‌آیند، اما ایمان آورندگان به غیب که روایات مربوط به این ندای آسمانی را شنیده‌اند آگاهند که این ندا، همان ندای حق موعود است و آنان سر بر سجده شکر می‌نهند و بر خشوع دل‌هایشان در پیشگاه خداوند افزوده می‌شود. و همواره از آن حضرت سخن می‌گویند و خود را جهت یاری وی مهیا می‌کنند.

#### ۴-۳-۱- منجی به مثابه همان مراد عرفانی

جامعه مهدوی یعنی آن دنیایی که امام زمان می‌آید تا آن دنیا را بسازد، همان جامعه‌ای است که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همه پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه ایده-آل انسانی که بالاخره به وسیله ولی عصر و مهدی موعود در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد به وجود بیاید. انبیای الهی از آغاز تاریخ بشریت یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به قدم به آن جامعه آرمانی و آن هدف نهایی نزدیک کنند. انبیا همه موفق شدند، حتی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسیر ناکام نماند. باری بود که بر دوش این مأموران عالی مقام نهاده شده بود، هر کدام قدمی آن بار را به مقصد و سرمنزل نزدیک کردند؛ کوشش کردند، هر چه توان داشتند به کار بردند، آن وقتی که عمر آنان سرآمد این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن بار را به مقصد نزدیک‌تر کرد. ولی عصر (صلوات الله علیه) میراث بر همه پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی بر می‌دارد. «در صیغه ایرانی و اسلامی مراد شیخ و پیری کاروان و رهبری وارسته است که هر آنچه را که بر مرید القاء می‌کند، سالک بدون چون و چرا کردن باید بپذیرد، حتی اگر به ظاهر خلاف شرع اسلام باشد» (رازی، ۱۳۸۴، ۲۳۶).

«مرید به حقیقت مراد باشد و مراد به حقیقت مرید باشد و مراد نام آن کس باشد که حق تعالی نگاه او را به قدرت جذب‌ه کشد و از خلق برباید» (کلابادی، ۱۳۷۱: ۴۵۵).

کسی مرد تمام است کز تمامی	کند با خواجگی کار غلامی
پس آن گاهی که ببریید او مسافت	نهد حق بر سرش تاج خلافت
تباهی یابد او بعد از فنا باز	رود ز انجام ره دیگر به آغاز

(شبستری ۱۳۷۴: ۷۴۰)

در اندیشه مهدویت مراد صاحب ولایت و در نتیجه انسان کامل است، که در متون عرفانی به عنوان خلیفه الله معرفی می‌شود. پس آن گمانی که ببریید او خلافت نهد بر سرتاجش خلافت (همان: ۸۱۶).

۴-۳-۲- ندای بعد از حجاب

اصل روایات مربوط به این ندای آسمانی که مردم را به پیروزی از امام مهدی (علیه السلام) دعوت نموده و او را با نام خود و پدر بزرگوارش یاد می‌کند، در منابع شیعه و سنی، فراوان است، و بعید نیست که به حد تواتر معنوی برسد.

محمد بن مسلم نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

منادی از آسمان نام قائم را ندا کند بگونه‌ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد آن را بشنود، در اثر آن ندا، خفته بیدار و ایستاد بنشیند و نشسته پبای خیزد، و آن صدای روح الامین جبرئیل است.

پس از این دو نشانه، یعنی، خروج سفیانی در ماه رجب و ندای آسمانی در ماه رمضان، تا ظهور حضرت در ماه محرم، نزدیک شش ماه باقی است. منابع روایی اهل سنت شماری از اقدامات امام (علیه السلام) را در این فاصله بیان کرده‌اند. از جمله، ارتباط آن حضرت با یاران خود در مدینه منوره و مکه مکرمه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان با شوق و اضطراب جهت بیعت با او، در جستجوی حضرتند. از آن جمله هفت تن از دانشمندان کشورهای مختلف که بدون قرار قبلی، امام را در مکه ملاقات می‌کنند در حالی که هر کدام در شهر خود از سیصد و سیزده نفر از افراد متدین و مخلص بیعت گرفته‌اند، آنها از طرف پیروانشان، با آن بزرگوار بیعت می‌نمایند، و امید دارند که با پذیرش بیعتشان از طرف امام، جزو ۳۱۳ یاور حضرت محسوب گردند که پیامبر خدا از آن خبر داده است.

روایت‌های شیعه، این شش ماه را مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری، قلمداد می‌کنند و آنرا منطبق با این کلام امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌دانند که فرمود:

«ظاهر شدن او ابهام‌آمیز است تا آنکه نام و یادش همه جا را فرا گیرد، و امرش آشکار گردد». (کورانی ۱۳۸۸: ۳۵۱). یعنی ظهور حضرت به تدریج آغاز می‌گردد و سپس موضوع برای مردم آشکار می‌گردد و احتمال دارد ظهور تدریجی حضرت، بدان جهت باشد که امر ظهور و پذیرش مردم به آزمایش گذاشته شود، و زمینه‌ای برای ظهور علنی گردد. به نوعی با رسیدن به مقام فنا زمینه ظهور منجی و بقاء به الله مهیا می‌شود.

۵-۱- عدالت به مثابه مقام عرفان در دولت کریمه مهدوی (حاصل جامعه عرفانی)

لازمه تحقیق جامعه مهدوی و اسلامی برخوردار از نعم نشأت گرفته از متون اسلامی یعنی قرآن و حدیث است. با تامل در متون دینی و عرفانی انسانها باطریق و نسبت سر گذاشتن سیر و سلوک به مطلوب حقیقی دست می‌یابند و در نتیجه به عالی‌ترین درجه یعنی مقام عرفانی عدالت

دسترسی پیدا می‌کنند .

بدیهی است از نعم ویژه خداوند و دین اسلام برای رستگاری بشر برخوردار از نعمت فراگیر عدالت و امنیت است. و در سایه این نعمت راه رستگار جامعه فراهم می‌گردد. بنابر این عارف عدالت گستر از علم و دانشی که از راه تحمل مراتب سخت وادی عرفان به دست آورده به هدایت مریدانه دست می‌زند .

نامنی، ظلم، تجاوز، و تعدی، آفات ویرانگر اجتماعی است که محصول بی عدالتی است. در جامعه‌ای که حق مظلوم باز ستانده نمی‌شود و صاحبان زر و زور مانعی را بر سر راه کامجویی‌هایی خود نمی‌بینند، امنیت اجتماعی و فراگیر، رؤیایی است که تعبیر روشنی نخواهد داشت. آن هنگام که حکومت حق و عدل و مهدوی پرچم می‌افرازد و سرود توحید می‌سراید و عدل و حق را می‌گستراند، اثری از نامنی و ظلم و تجاوز نخواهد ماند، «چرا که حق جویان امت نبوی که با آن وجود گرامی بیعت کرده و به برکت حضرتش از کمال عقل و روح استغنا برخوردار گردیده‌اند، هم عادلانه رفتار خواهند کرد و هم عدالت و امنیت مدینه مهدوی(ع) را پاس خواهند داشت: «فمن بايعه و دخل معه و مسح علی یده و دخل فی عقد أصحابه کان آمناً» (شیخ صدوق ۱۳۸۳: ۱۱۳).

وقتی حاکم و هیئت حاکمه، قوانین مدنی، حقوق و جزایی، دستگاه‌های مختلف اجرایی و قضایی، برخاسته از حق و بر محور عدل قرار داشته باشند و به اساس قسط عمل کنند، مردم نیز حق‌پذیر خواهند بود و بر پایه آن عمل خواهند کرد و بدینسان آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» در بالاترین مصداق خود عملی خواهد شد و تمام جامعه تحت رهبری کسی که خود مظهر تام «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» است، قیام به قسط خواهد داشت.

از سویی دیگر، سرنوشت دشمنان دین و جلوگیری و ویرانگران مراکز نشر و ابلاغ و آموزش فرهنگ دین جز گرفتاری به وعید عذاب خواری نخواهد بود: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.» (بقره: ۱۱۴)

#### ۵-۱-۱- پایه‌های سلوک جامعه مهدوی

«به نزدیک اهل تصوف سلوک عبارت است از رفتن از اقوال بد به اقوال نیک و افعال بد به افعال نیک و از هستی خود به هستی خدای، یعنی چون سالک بر اقوال و اخلاق نیک ملازمست کند، انوار معارف بر وی روی نماید و چیزها را چنانکه هست بدانند(نسفی ۱۳۶۳: ۱۲)

می‌توان گفت سلوک عرفانه و سلسله مراتبی تشکیل حکومت عارفانه مهدوی به شکل ذیل

است .

۵-۱-۱ اول: بر نابودی کردن و قلع قمع کردن ریشه‌های ظلم و طغیان؛ یعنی، در جامعه‌ای که در زمان ولی عصر (صلوات الله علیه) ساخته می‌شود، باید ظلم و جور نباشد. یعنی در همه دنیا نباشد. نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ گونه ستمی در آن جامعه دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و قلدری از عالم ریشه کن بشود.

دوم: خصوصیت جامعه ایده‌الهی که امام زمان (صلوات الله علیه) آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشه انسان است؛ هم اندیشه علمی انسان و هم اندیشه اسلامی انسان؛ یعنی در دوران ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) شما باید نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید.

سوم: خصوصیت سوم که جامعه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)؛ جامعه مهدوی دارا هست، این است که در آن روز همه نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسانی، استخراج می‌شود چیزی در بطن زمین نمی‌ماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطل طبیعی، این همه زمین‌هایی که می‌تواند انسان را تغذیه کند؛ این همه قوای کشف نشده (مانند نیروهایی که قرن‌ها در تاریخ بود؛ مثلاً نیروی اتم، نیروی برق و الکتریسته، قرن‌ها بر عمر جهان می‌گذشت و این نیروها در بطن طبیعت بود؛ اما بشر آنها را نمی‌شناخت، بعد یک روزی به تدریج استخراج شد) همه نیروهای بی-شماری که از این قبیل در بطن طبیعت هست، در زمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) استخراج می‌شود.

چهارم: خصوصیت دیگر اینکه محور در دوران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)؛ محور «فضیلت و اخلاق» است هر کس دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدم‌تر و جلوتر است.

## ۶-۱- وحدت جوهری ادیان و مسأله ظهور

انعکاس نور حقیقت زمانی متجلی می‌شود که با مطالعه به کنه ادیان به وجود منجی پی ببریم و به نوعی به یک وحدت رویه دست یابیم «وحدت میان دوستی خوشی آور است و اصحاب صفا و یاوران وفا از هم جدا نیستند. سالک حقیقت باید ابراهیم وار بت صورت را بشکند. اگر سالک با منجیق ریاضت نفس و بینش توحیدی، صورت‌های متعدد وجود را محو کند تعدد و اختلاف از میان برمی‌خیزد و سر وحدت نمایان می‌شود». (زمانی ۱۳۷۹: ۲۴۴)

«پیروان ادیان سه گانه آسمانی (مسلمانان، مسیحیان و یهودیان) باور دارند آینده‌نهایی مسیر زندگی خاکی، پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق و علم و عدالت اجتماعی و عبادت خدای متعال، وراثت زمین به صالحان، پایان خرافات و گمراهی و ستم و تمامی گونه‌های انحراف است. نیز اتفاق

نظر دارند شخصی که خداوند عهد و پیمان‌ش را به دست او تحقق می‌بخشد، از فرزندان ابراهیم بوده است و شریعتی که بدان حکم می‌کند، آیین موسی نیست، بلکه دین پیامبری است که خداوند در آخر زمان، وی را مبعوث می‌کند و اُمّی‌ها { اهالی مکه (أم القری) } منتظر اویند «بدری (۱۱: ۱۳۷۹)».

در همین راستا امام (علیه السلام)، الواح تورات تحریف نشده، کتاب مقدس یهود، را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می‌کند و یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند. و پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند و اینگونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌گردد و اسلام عزیز همه عالم را می‌گیرد. همان‌گونه که قرآن کریم بشارت داده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَكُورِ الْكُفْرِ الْمُشْرِكُونَ»؛ (توبه:

۳۳)

و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید.

در قرآن کریم سوره انبیا آیه [۱۰۵] آمده است:

و ما بعد از تورات، در زبور (داود) نوشتیم و در کتب انبیای پیشین وعده دادیم که بندگان نیکوکار من، مُلکِ زمین را وارث و (متصرف) خواهند شد.

در عرفان اسلامی و متون آن انسانی با ویژگی‌هایی از جمله (شخصی که علت نهایی خلقت است)) (لا هیجی ۱۳۷۷: ۲۶۳)، (سبب و ایجاد بقای عالم است (جامی: ۱۳۷۰: ۹۷))؛ (متخلق به اخلاق الهی است (قیصری ۱۳۷۵: ۴۰) و (واسطه حق و خلق است)) (طباطبایی ۱۳۸۲: ۱۰) بی‌گمان این شخص محوریت عالم و مرکزیت وحدت ادیان را پیگیری می‌کند.

### ۶-۱-۱- جامعه آرمانی عرفانی به مثابه حکومت واحد جهانی

در حکومت واحد جهانی لازم است که دین و مذهب مردم نیز واحد باشد؛ یعنی دین مورد رضای خداوند بر همه ادیان ظفر یابد و غالب شود و آن دین اسلام است " وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا " (مائده: ۳) و این وعده الهی با ظهور آخرین حجت خدا تحقق خواهد یافت. و نیز لازم است که افراد آن جامعه نسبت به هم دارای اینار باشند و برادرانه با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. طرح حکومت جهانی و زندگی برادرانه مورد تأیید اسلام است و قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». (حجرات: ۱۰) وقتی مردم حقیقت حکومت عدل الهی و جهانی را شناختند و عامل به آن شدند دیگر در این حکومت خبری از ظلم و ظالم، نخواهد بود. و هر آنچه مانع رسیدن

عقل و فهم به دین الهی و عمل به آن باشد بر چیده و خشک می‌گردد. خوشبختانه «امروز دنیا بیشتر از هزار سال قبل آماده شنیدن سخن حق اسلام است. اما روز بشریت برای قبول حکومت الهی، از هزار و دویست، سیصد سال قبل مهیاتر است. آن روزی که امام زمان ما، (ع) غایب می‌شود از نظرها، و به عنوان یک امامی که بساط را باید در مردم پهن کند، پهن نمی‌کند، آن روز بشر آماده پذیرش یک امام مصلح انقلابی شمشیر به دست نبود، و اگر آن بزرگوار می‌خواست قیام کند و انقلاب کند و جامعه را به هم بریزد، مسلم نمی‌توانست با شرایط نامساعد آن زمان، یک جامعه‌ای آن چنان که می‌خواهد بسازد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۵۵). در این جامعه همه ادیان الهی و به تبع آن همه انبیاء و اولیاء با حقیقت واحده اسلام به توحید مشغولند و ساکنین کره خاکی عمل و نظرشان توحیدی گردیده و فرد چه در خلوت و تنهایی و چه با حضور در اجتماع با اسلام عرفانی زندگی می‌کند.

#### ۶-۱-۱- مدینه فاضله به مثابه دولت کریمه مهدوی

از نگاه قرآن هدف اصلی آفرینش وجود انسان و علت اصلی پیدایش انسان دست یابی وی به معرفت حق است. البته بر حسب آموزه‌های عرفانی، خلیفه الهی و روح خلافت خود را از رهگذر ولایت و تقرب به حق به دست آورده است. «محمی الدین عربی در باب ۷۳ فتوحات مکیه گفته است خاتم ولایت محمدی مردی است از عرب که دارای بهترین اصل و نسبت است و من او را در سال ۵۹۵ در شهر فارس دیدم و علامت او را که خداوند بر مردم پوشانیده است، مشاهده نمودم. خود محمی الدین در فصل پانزدهم فتوحات مکیه تصریح کرده است که خاتم ولایت محمدیه نامش و خلقتش همانند نبی اکرم (ص) و او همان مهدی منتظر است» (ابن عربی ۳۶۰، ۱۳۴۸).

تشکیل و پیاده نمودن دولت کریمه مهدوی که پیاده شدن عدل و داد در میان اجتماع بشری از نتایج شاخص آن است، نیازمند ارائه قوانین و دستورالعمل‌هایی است که توسط قانون گذاران دین الهی یعنی پیامبران و بالخصوص خاتم پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) تدوین شده است. پیاده شدن و اجرای این قوانین نیز مستلزم بلوغ فکری جامعه است که، با وجود مجریان الهی و در عصر غیبت با وجود نازنین آخرین حجت الهی حضرت امام عصر (ع) و شرط تحقق بلوغ فکری مردم، زمینه پیروزی نهایی یعنی تشکیل دولت حق مهدوی تحقق پذیر است. «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِمُونَ» (مائده ۵۶) و این ظفر همانا اهتراز پرچم پر افتخار توحید بر فراز جوامع انسانی به دست حضرت بقیه الله خواهد بود؛ اما رسیدن به چنین فتح الفتوحی هرگز سهل و رایگان نیست، چرا که معاندان لجوج که منطق فرعون‌ی دارند، در برابر منادی یگانه پرستی و احیا کننده عدالت در عرصه زندگی انسان که در پی رهایی بشر از بندگی صاحبان زر و زور و هدایت آنان به بندگی خدای



یگانه است و پیچیدن طومار استثمار و خودکامگی فراغنه عصر ظهور را در دستور کار خود دارد، به مقاومت برخوانند خاست و چون دیگر طواغیت که برای اطفای نور الهی از هیچ جنایتی فروگذار نبودند، از هیچ تلاشی در این مسیر کوتاه نخواهند آمد.

«مشرّب و مکتب‌های عرفانی بر این عقیده اند که انبیاء به طور کلی نمونه‌هایی از انسان کامل اند. بر این اساس که تاریخ وجود انسان کامل به تاریخ بشریت باز می‌گردد. زیرا حضرت آدم از نظر تمامی مسلمانان بلکه تمامی ادیان آسمانی و به خصوص عرفا انسان کامل است» (مخزن موسوی ۱۳۹۳: ۹). انسان کاملی که بعد از ظهر و دیدن فساد در جوامع طلب یاری می‌کند.

«ای مردم ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد به یآوری می‌خوانیم».

آنگاه خود و خاندانش را معرفی می‌کند و ندا می‌دهد:

«قَالَ اللهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَانصُرُونَا يَنْصُرَاكُمُ اللهُ تَعَالَى؛

درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [ در میدان عدالت گستری و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید که خدا شما را یاری خواهد کرد».

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می‌گیرند و گروه گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت می‌کنند در حالی که پیشاپیش آنها فرشته وحی، جبرئیل با امام دست همراهی می‌دهد. آنگاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند بر گره خورشید تابناک امامت حلقه زده و پیمان وفاداری می‌بندند و این جریان سبز جاری است تا آنکه ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام (علیه السلام) حضور می‌یابند و با آن فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بیعت می‌کنند. (ابن ابی زبیب، ۱۳۹۷: ۶۷).

در شعر ابن عربی مسئله ظهور چنین تبیین شده:

هو السید المهدی من آل محمد      هو الصارم الهندی حین بیید  
هو الشمس یجلوکل غم و ظلم هو      الوابل الوسمی حین یجود  
(ابن عربی ۱۳۸۷: ۶۶)

«قائم از ما به وسیله رُعب (وحشت در دل دشمنان) یاری می‌شود.» (شیخ صدوق ۱۳۴۲: ۶۰۳)

البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه) و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می‌کند.

#### ۴-۱- اشارات قرآنی جامعه مهدوی

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ»، (نور: ۵۵) این وعده قطعی الهی، آن‌گاه انجام می‌شود که دولت کریمه مهدوی بر اساس «البیعه لله» تأسیس می‌گردد؛ حکومتی که زیربنای آن را توحید و روینایی آن را قسط و عدل تأمین

می‌کند و در روایات و تعبیرهای معصومان (علیهم السلام) دولت حق تام گرفته است. آن حضرت که مظهر نام «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» است چون حکومتی را تشکیل دهد، جز اجرای عدل و قسط نخواهد بود.

خداوند متعال با ظهور و حکومت حضرت مهدی(ع) بر آنان که مستضعفان زمین بودند و بزرگان آسمان، منت می‌نهد، همان‌گونه که با بعثت و رسالت بر مؤمنان منت می‌گذارد: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ» (آل عمران: ۱۶۴) و پرچم امامت را که میراث الهی آنان است به آن‌ها خواهد سپرد: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (قصص: ۵) آن‌گاه پهنه زمین پس از مرگی طولانی که ثمرهٔ رواج ستم بوده است، احیا می‌گردد و از عدل لبریز می‌شود.

افروختن چراغ وحی و اصلاح بصیرت و احیای عقل بشر، نخستین سرفصل‌های حکومت حق مهدوی است. او که خود وارث مقام ولایت و امامت و هم‌تا و ترجمان کتاب الهی است، چراغ درخشان وحی را پرفروغ

می‌سازد و پرده غرور را از بصیرت و حجاب وهم را از چهرهٔ عقل بشر می‌زداید، تا انسان به چشم بصیرت و تعقل و در پرتو نور وحی سعادت خویش را باز شناخته و حرکت خویش را اصلاح کند. و در طریق مستقیم قدم گذارد و نهایت خوشبختی خویش را دریابد. اشاره، کشف و ارتقای عقول بشر و ایجاد روح استغنا در انسان‌ها از اموری است که وجود مبارک امام عصر(ع) در رأس برنامه‌های حکومت الهی خویش بدان خواهد پرداخت:

#### ۴-۲- حجاب نفسانی جامعه و مقابله با موعود

مقابله و مبارزه با اندیشه فرعون‌ی و آنان که فراعنه عصر ظهورند می‌تواند نقطهٔ آغازین برنامه رسمی قیام آن حضرت باشد، چنان که هنگام ولادت با تلاوت آیه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». (قصص: ۵) بدان اشاره فرمود. قرائت این آیه که درباره پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل بر مستکبران آل فرعون است، نشان می‌دهد که قیام آن حضرت نیز با مشیت الهی، وضعی مشابه قیام موسای کلیم(علیه السلام) در برابر دستگاه زورمحور

فرعونی خواهد داشت و همان‌گونه که با پای مردی مؤمنان موحد و مجاهد بنی اسرائیل و ایثارها آنان به رهبری ولیّ الهی عصر، مؤمنان از اسارت فرعونیان رهایی یافتند و فرعون و پیروانش از صفحه زمین نابود گردیدند و حکومت عدل و داد به دست آنان سپرده شد.

### نتیجه‌گیری:

از نتایج حاصل از این تحقیق اینکه مسئله مهدویت و ظهور منجی از مباحث بنیادین در حوزه عرفان می باشد، به خصوص بعد از طرح تئوریهای عرفانی ابن عربی از جمله انسان کامل، ولایت باطنی، وحدت وجود، وحدت جوهری ادیان و ... .

با تأمل، نگارنده این تحقیق بدین نتیجه رسیده که شاخصه‌های اصلی در تئوری مهدویت پیوند ناگسستنی با مبانی بنیادین عرفانی دارند. اصطلاحات عرفانی، همچون حجاب، غیبت، کشف، شهود، ریاضت، انسان کامل، وحدت وجود، تجلی و ... قابل تحلیل با مسئله مهدویت اند که در متون عرفانی هم دارای اشارات زیادی هستند؛ از نتایج دیگر حاصل از این تحقیق این است که دولت کریمه مهدوی تشابه و تطبیق واضحی با آرمانشهر و مدینه فاضله عرفانی و فلسفی دارد که در لابه لای تحقیق بدان اشاره شده است؛ همانطور که کمال سعادت انسان و رسیدن به ایده آل در مباحث عرفانی به مثابه و منزله آرمانشهر جامعه بشری است؛ تشکیل حکومت واحد مهدوی تحت عنوان دولت کریمه که در مسیر رسیدن بدان حجاب‌های ظلمانی و نفسانی، ریاضت‌های عارفانه و ... وجود دارد، هدفی است که سعادت نوع بشر در آن محقق می شود و به نوعی فنا فی اله و بقاء به اله و محور انسان در رسیدن به ابده آل و مطلوب موردنظر می باشد. از دیگر نتایج حاصل از این تحقیق تشابهات مسیر مهدویت به مباحث وادی معرفت و شناخت‌های عرفانی می باشد. وجود ولایت در مطالب عرفانی به عنوان واسطه فیض نور و انسان کامل به عنوان مراد، و دقیقاً همان استنباطی است که ما از منجی و موعود داریم و این مطالب در تشابه آشکار با همدیگرند. این تشابهات هم در مبانی عرفانی نظر و هم در مبانی عرفانی عملی به وفور مشاهده می شود، بنابراین مهدویت در آموزه‌های عرفانی-اسلامی با ظهور ابن عربی به نقطه کمال خود رسید و جای خود در مباحث عرفانی و اسلامی باز نمود که متأسفانه جای خالی بسیاری از ابعاد این نظریه در تحقیقات دینی و عرفانی محسوس است.

## منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸). جامع الاسرار و منبع الانوار، تصحیح و مقدمه هنری کرین، ترجمه سید جواد طباطبایی، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳- ابن عربی، محی الدین. (۱۳۷۰). فتوحات مکیه، ترجمه محمد خواجه‌جوی، نشر ولی
- ۴- ابن عربی، محی الدین. (۱۳۷۰). فصوص حکیم، تصحیح و تعلیق ابوالعلاء عقیفی، تهران، الزهراء
- ۵- ابن فناری، محمدبن حمزه (۱۳۷۴). مصباح الانس، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، نشر موسی
- ۶- امین الشریعه خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). میزان الصواب در شرح فصل الخطاب سیدقطب الدین محمد نیریزی، جلد اول، انتشارات مولی
- ۷- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۷۲). مجموعه رسایل فارسی تصحیح مولایی، انتشارات توس
- ۸- ابن حماد، نعیم. (۱۴۲۳). الفتن، بیروت، دار الکتب العلمیه
- ۹- ابن ابی زبیب محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷). الغیبه، ترجمه جواد غفاری، تهران، نشر صدوق
- ۱۰- بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۷۱). شرح شطحیات، تصحیح، هنری کرین، انتشارات ظهور
- ۱۱- ترمذی، محمدبن عیسی. (۱۴۰۳). سنن ترمذی، بیروت، انتشارات دارالفکر
- ۱۲- جامی، نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۷۰). نقدالنصوص فی الشرح نقدالفصوص، تهران، نشر مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۱۳- جیلی، عبدالکریم (۱۳۹۰ قمری). الانسان الكامل فی معرفه الاوائل و الاواخر، مصر، حلبی
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). امام مهدی موعود موجود، قم، مرکز نشر اسراء
- ۱۵- جرجانی، سیدشریف. (۱۳۰۶). التعریفات، بیروت، دارالسرور
- ۱۶- حافظ، خواجه شمس الدین محمد. (۱۳۹۶). دیوان حافظ، تبریز نشر فروغ آزادی
- ۱۷- حکیمی نیا، محمدرضا. (۱۳۶۰). خورشید مغرب، تهران، دفتر فرهنگ نشر اسلامی
- ۱۸- خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). طرح کلی اندیشه اسلامی قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی
- ۱۹- خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). انسان دویست و پنجاه ساله، قم، انتشارات صهبا
- ۲۰- خمینی، روح اله. (۱۳۷۱). شرح و حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه نشر آثار امام
- ۲۱- رازی، نجم الدین. (۱۳۸۴). مرصادالعباد به اهتمام محمدامین ریاحی، چاپ دهم، تهران، علمی و فرهنگی
- ۲۲- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۳). جستجو در تصوف، تهران، نشر نی
- ۲۳- زمانی، کریم. (۱۳۷۹). شرح مثنوی معنوی، دفتر اول، تهران، انتشارات اطلاعات
- ۲۴- سنایی غزنوی، ابومجد (۱۳۷۴). حدیقه الحدیقه و طریقه الشریعه، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۵- شبستری محمود. (۱۳۸۸). گلشن راز، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، زوار
- ۲۶- شیخ صدوق، محمدبن علی. (۱۳۵۸). من لایحضر الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه

- ۲۷- شیخ مفید، محمدبن علی. (۱۴۱۴). الارشاد فی المعرفه حج اله علی العباد، قم، دارالکتب الاسلامیه
- ۲۸- قادری، سیدرضی. (۱۳۹۰). مهدویت در صحاح سته، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع)
- ۲۹- قونوی، صدرالدین (۱۳۷۱). کتاب الفلوک، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، نشر مولی
- ۳۰- کاشانی، غرالدین. (۱۳۸۵). مصباح الهدایه، تصحیح عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران، زوار
- ۳۱- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۷۵). اصول کافی، قم، انتشارات اسوه
- ۳۲- لاهیجی، محمدبن عیسی. (۱۳۸۲). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، زوار .
- ۳۳- مخزن موسوی، ابوالحسن (۱۳۹۳) انسان کامل در متون عرفانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی
- ۳۴- نوربخش، سید محمد (۱۳۹۱). رساله الهدی، تلاش برای رد مهدویت، رسول جعفریان، تهران، نشر مولی
- ۳۵- ولی، شاه نعمت اله. (۱۳۵۷). رسایل شاه نعمت اله، به تصحیح جواد نوربخش، تهران، خانقاه نورالهی

**Received: 2019/3/4**

**Accepted: 2019/9/1**

## **An analysis of mystical indices of mahdaviat theory**

*Seysd abdollah daneshi<sup>1</sup>, Seyede fatemeh hoseini mirsafi<sup>2</sup>*

### **Abstract:**

The theory of Mahdism has very wide and unknown dimensions due to its extent and universality.

One of the most important examples in Islamic mysticism is the issue of the end and Mahdism, which is stated with titles such as perfect man, the owner of the inner aspect esoteric province, etc. This research uses a descriptive and analytical method and a library method to express a mystical interpretation of the issue of Mahdism. It is necessary to mention that despite different interpretations of mystical concepts and various interpretations of theoretical and practical principles, mysticism is irrefragible linked with the ideal Mahdavi society. The lesser known position of the theory of Mahdism in mystical topics and Persian research and the conformity of the views of this theory and idea with the original mystical terms, which generally developed significantly after Ibn Arabi, prompted the author to undertake this research.

**Keywords:** *Mysticism, Mahdism, perfect man, Benevolent government.*

---

<sup>1</sup>. PhD Student, Quranic science and hadith dep, Islamic Azad University, shahre rey Branch, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Quranic science and hadith dep, Islamic Azad University, shahre rey Branch, Tehran, Iran., corresponding author.